



مداح جوان محله شهید بهشتی، از تجربه یک دیدار غیرمنتظره در کربلا می‌گوید

## آرزوی که در دلم نماند



«حس خوبی نداشتم. حق هم داشتم؛ آقای پویانفر الگویم بود. حتی ناخودآگاه یکی از مداحی‌هایش را زیر لب زمزمه کردم. با خودم می‌گفتم اشکالی ندارد. حتماً می‌توانم او را ببینم. شنیده بودم چند مداح معروف در خیمه‌گاهی که در بین الحرمین به مناسبت شهادت برپا شده، حضور دارند؛ بنابراین امیدوار بودم آنجا پیداایش کنم.»

### ● دیدن مداح محبوب

دل عرفان با این حرف‌ها هنوز آرام نشده بود. بعد از اینکه نمازش را خواند، به سمت ضریح امام حسین (ع) رفت تا یک بار دیگر عرض ارادت کند، سپس به هتل برگردد؛ همان طور که خودم را سرزنش می‌کردم که چرا خوابم برده است. یک دفعه میان جمعیت، چشمم به آقای پویانفر افتاد. اول باورم نمی‌شد. سریع جلورفتم و خودم را معرفی کردم.»

برخورد صمیمانه این مداح، خستگی و ناراحتی را از دل عرفان بیرون برد؛ باروی خوش با من صحبت کرد و گفت یک بیت برایش بخوان. من هم بخشی از یکی از نوحه‌های او را اجرا کردم. وقتی صدایم را شنید، خیلی تشویقم کرد و گفت آینده روشنی برایت می‌بینم و سپس با هم عکس یادگاری دوفره‌ای گرفتیم.»

عرفان همان طور که عکس داخل گوشی‌اش را نگاه می‌کرد، یک باره نگاهش را روانه ضریح امام حسین (ع) کرد؛ همان جادویش گفت: «این اتفاق خوب از برکت زیارت شما بود.»

خوابم برد.»

چند دقیقه بعد با سرصدای اطراف از خواب بیدار شد. نماز جماعت تمام شده بود و دوستانش دور هم ایستاده بودند و به تلغن همراهشان نگاه می‌کردند. «رفتم جلو و پرسیدم چه اتفاقی افتاده است. بچه‌ها گفتند همین چند دقیقه‌ای که خواب بودی، محمد حسین پویانفر را اینجا دیدیم.»

چند نفر از بچه‌ها با او صحبت کرده و توانسته بودند عکس یادگاری هم بگیرند؛ «وقتی عکس‌ها را دیدم، خیلی ناراحت شدم. با خودم گفتم این هم شانس من است؛ چه بدموقع خوابیدم.»

عرفان سال‌ها بود مداحی‌های پویانفر را گوش می‌کرد. بعضی از نوحه‌های او را حفظ و حتی در مراسم مختلف اجرا کرده بود. برای همین از دست دادن چنین فرصتی برایش سخت بود؛



نجمه موسوی‌زاده از بچگی پای ثابت برنامه‌های هیئت و جلسات روضه بود. تا امروز که ۱۹ سال دارد. همین موضوع باعث شد که عرفان امیریان خیلی زود متوجه صدای خوبش شود و مداحی را دنبال کند. از طرفی مکبری در مسجد و تشویق بزرگ‌ترها او را به سمت شرکت در مسابقات اذان آموزش و پرورش ناحیه ۳ مشهد سوق داد تا چند بار رتبه اول و دوم این مسابقات را از آن خود کند.

با این حال، مثل خیلی از نوجوان‌های عاشق اهل بیت (ع)، یک آرزوی بزرگ در دل داشت: اینکه روزی زائر کربلا شود و در کنار ضریح امام حسین (ع) دو رکعت نماز زیارت بخواند. دو سال پیش، این آرزوی مداح محله شهید بهشتی محقق شد و به عنوان یکی از نخبگان قرآنی راهی سفر کربلا شد؛ سفری که خاطرات بسیاری برایش به جا گذاشت اما یکی از آن‌ها از همه برایش شیرین‌تر است.

### ● چه وقت خوابیدن بود؟

شب شهادت امام حسن عسکری (ع) برای زیارت همراه با گروه نخبگان قرآنی به حرم امام حسین (ع) رفته بود. تا صبح در صحن و سرای حرم زیارت کرده بود. او تعریف می‌کند: «زائران کم‌کم برای نماز صبح آماده می‌شدند. من هم در گوشه‌ای از صحن نشسته و سرم را به دیوار تکیه داده بودم تا وقت اذان برسد و نماز بخوانم. رفت و آمد زائرها را نگاه می‌کردم و در حال و هوای حرم بودم. نمی‌دانم چطور شد که چشم‌هایم سنگین شد و همان جا

خاطره نوجوان محله عنصری از لحظه فراموش‌نشده مداحی‌اش

## وقتی پرچم حرم در میان نوحه آمد

اطلاع نداده بودند که قرار است پرچم حرم این بانوی بزرگ را بباورند. مداحی‌ام را ادامه دادم و شور و حال معنوی خوبی در مراسم به وجود آمد. آن لحظه را فراموش نمی‌کنم.

### ● به جز هیئت در کجاها اجرا می‌کنی؟

مسئول هیئت مدرسه‌مان هستم و برگزاری مراسم عزاداری یا اعیاد با من است. همچنین در هیئت خانوادگی‌مان مداحی مراسم را به عهده دارم.

### ● چند سال است که در حرم رضوی مداحی می‌کنی؟

دو سال قبل بود که از طریق استادم برای شهادت حضرت زهرا (س) به حرم رضوی معرفی شدم. از آن سال تا حالا چهار بار برای برنامه‌های مختلف اجرا کرده‌ام که آخرین آن، مراسم چهاردهمین سوگواره «احلی من العسل» ماه گذشته بود.

### ● اشعار را چطور انتخاب می‌کنی؟

اشعار را از فضای مجازی و اینترنت پیدا می‌کنم. گاهی هم اشعاری را که استادم در اختیارم قرار می‌دهد، برای مداحی استفاده می‌کنم.

### ● قبل از اینکه اجرا کنی در خانه هم تمرین داری؟

به طور معمول برای مادرم اجرا می‌کنم، او با مداحی‌هایم گریه می‌کند.

### ● به چه سبکی از مداحی علاقه مندی؟

سبک مداحی آرام و سنگین‌رامی پسندم. سبک‌هایی را که هیجانی مداحی می‌کنند، دوست ندارم؛ زیرا در شأن ائمه (ع) نیست. الگویم در مداحی، مهدی رسولی و محمود سلیمی است.

### ● اولین باری که مداحی کردی، به خاطر داری؟

هشت ساله بودم که برای اولین بار مقابل استاد رضا خوش‌چهره مداحی کردم. استادم، گروهی از بچه‌ها را که کارشان بهتر بود، انتخاب کرده بود. روزی که مقابل ایشان مداحی کردم، مسلط بودم و همین سبب شد استاد خوش‌چهره، هدیه‌ای به رسم یادگاری به من بدهد.

### ● خاطره‌ای از زمان اجراهایت برایتان تعریف کن.

محرم سال قبل مشغول مداحی در هیئت بودم. ناگهان در باز شد و پرچم حرم حضرت زینب (س) را به داخل آوردند. از قبل



سمیرا منشادی امیرحسین چرخ‌زاده با اینکه فقط دوازده سال دارد، پنج سال است که مداحی می‌کند؛ نوجوانی از محله عنصری که از کلاس اول دبستان تا پایان کلاس هفتم، هر سال رتبه نخست مسابقات قرآنی دانش‌آموزی ناحیه‌رایه دست آورده است. سال ۱۴۰۲ نیز مقام اول مسابقات استانی «کوثر محبت» را در رشته مداحی از آن خود کرد.

در کنار این موفقیت‌ها، امیرحسین دوسالی است که به عنوان مداح نوجوان در برنامه‌های حرم مطهر رضوی حضور دارد. آخرین اجرای او به چهاردهمین سوگواره «احلی من العسل» در خرداد برمی‌گردد. با این همه، وقتی از آرزویش می‌پرسیم، نه از شهرت حرف می‌زند و نه از دیده شدن. تنها می‌خواهد روزی به عنوان ذاکر اهل بیت (ع) در حرم امام حسین (ع) مداحی کند و خادم این دستگاه بماند.

### ● چطور شد به مداحی علاقه مندی شدی؟

برادر بزرگ‌ترم، امیرحسین، از کودکی مرا به همراه خودش به هیئت می‌برد. البته خودش هم مداحی را دوست داشت، اما چون درس می‌خواند، آن را به طور جدی دنبال نکرد. وقتی در عزاداری‌ها مداحی‌ها را می‌شنیدم، در خانه برای خودم زمزمه می‌کردم تا اینکه پنج سال قبل، مادرم با مجتمعی آشنا شد که به صورت تخصصی مداحی آموزش می‌داد.

